

سام نوین

سال پنجم

بهمن ماه ۱۳۴۱

شماره

ابراهیم برهان آزاد

شماره‌ای از تاریخ نقشه برداری جغرافیائی از ایران

و قدیمترین نقشه صحیح و مبسوط از آن

جغرافیا از علوم است که بشر از دیرباز در اثر احتیاج با آن سروکار داشته و آنچه تا کنون در مورد نقشه کشی که شعبه‌ای از آنست به تحقیق پیوسته اینست که نخستین بار نقشه کشی در حدود شش هزار سال پیش بتوسط سکندروسواحل خلیج فارس و بامر یکی از شهریاران آنان صورت گرفته و بمنظور ممیزی و مالیات بندی بوده است. *مطالعات فرنگی*

ناگفته نماند که اقدام بنقشه برداری از اراضی خوزستان و بین النهرین کتونی انحصار باین یک برداشته و تا کنون چندین مرتبه سابقه دارد که ذکر آنها در چند لوحه و حتی در کتب هم آمده است چنانکه یکی از قدیمترین آنها بسال ۲۳۰۰ قبل از میلاد مورخ است و لوحه نشان میدهد که در تاریخ مزبور از آن سرزمین نقشه کشی شده است.

در چین و مصر قدیم هم بنوبه خود باین کار دست زده‌اند از جمله رامسس دوم ملقب به «میامون» (۱) (۱۲۹۸-۱۲۳۲ ق.م.) بزرگترین و نامی‌ترین فرعونان آن سرزمین از فراغه سلسله نوزدهم برای تسهیل در اداره امور کشور دستور داده بود تا کشور مصر را ممیزی کنند. (۲)

(۱) Meiamoun (۲) مجله روز گارنوج ۴۰ شماره ۴ ص ۲۹

مقاله نقشه برداری از شرق وسطی بقلم سنت جان فیلبی Philby انگلیسی

همچنین در ویرانه‌های شهر گاسور (۱) در سیصد و بیست کیلومتری بابل در نتیجه کاوشها لوحه‌ای گلی بدست افتاده است که در تاریخ ۱۶۰۰ قبل از میلاد تهیه شده و بر آن در سطحی بوسعت شش سانتیمتر مربع یکی از نواحی بابل را ترسیم کرده‌اند که در آن نقشه کوهها با خطوط گرد و آبها با خطهای مورب و رودخانه با خطوط موازی مشخص گشته و نام چند شهر از شهرهای آن عهد در آن دیده میشود و علاوه بر اینها در حاشیه علامتی بچشم میخورد که جهت شمال را معین میکند (۲)

غیر از این لوحه در آثار قدیمی بابل لوحه دیگری وجود دارد که بر آن نقشه‌ای نقش شده است و دنیای معلوم آن زمان بخصوص بابل و آشور و عیلام را نشان میدهد. (۳)

بنا بنوشته یونانیان نخستین کسیکه بکشیدن نقشه زمین همت گماشته آناکسیماندر (۴) عالم ریاضی یونانیست که از شاگردان طالس ملطی بوده و نقشه خاور میانه از جمله ایران را کشیده است و همچنین هکاتئوس (۵) از مردم ملیت یا مملطیه (۵۰۰ ق. م.) هم در نقشه کشی کارهایی انجام داده است. در این ایام نقشه‌ها بطرزی بسیار ساده و ابتدائی بود و آنها را بر روی فلزات رسم میکردند و در آنها توجهی بعرض و طول جغرافیائی نمیشد و هم در آنها یونان را مرکز جهان و «دلف» را نیمه آن میگرفتند چنانکه از «هکاتئوس» چنین نقشه‌ای مانده است و ملاحظات زیری

هکاتئوس در این نقشه زمین را مسطح می پنداشته و در نقشه خود قسمتی از سطح زمین را تا حدود دریای خزر در مشرق و تا مغرب اسپانیا و اقیانوس اطلس را کشیده است.

اراتستن (۶) رئیس کتابخانه اسکندریه و از علمای نامی قدیم (قرن سوم قبل از میلاد) با توجه بکرویت زمین این نقشه را تا حدی اصلاح کرد و بخشی از افریقا و آسیا را تا جزیره سرندیب و قسمتی از اروپا را تا جزایر بریتانیای بزرگ وارد نقشه کرد.

بعدها این نقشه اصلاح بیشتری یافت و آگارشید (۷) از علمای جغرافیائی

(۱) Gasur (۲) نقل باختصار از ص ۳۸۶ بخش اول ترجمه تاریخ

تمدن و بیل دورانت ترجمه آقای احمد آدام (۳) روزگار نو ج ۴ شماره

۴ ص ۳۰ (۴) Anaximandre (۵) Héatée (۶) Eratosthène

(۷) Agarchide

قرن دوم قبل از میلاد کشور مصر را با تفصیل بسیار وارد آن ساخت و پلیب (۱) (۲۰۶-۱۲۲ ق.م.) که کتابی در ۴ جلد از او باقیمانده است آنرا تفصیل بیشتری داد (۲)

در سده دوم قبل از میلاد ابرخس یا هیپارکوس (۳) مردم را باین نکته توجه داد که باید اساس نقشه کشی را بر طول و عرض جغرافیائی نهاد و وضع اصطلاح طول و عرض جغرافیائی هم از اوست. ولی نظریه وی در باره طول و عرض جغرافیائی مدت‌ها مورد نظر نبود تا آنکه ماریانوس صوری (۴) و بطلمیوس یا بطلمیوس (۵) (قرن دوم میلادی) که از دانشمندان شهر نقشه برداری در قدیم میباشند ظهور کردند و موضوع طول و عرض جغرافیائی را مورد نظر قرار دادند.

عمده آثار و نوشتجات ماریانوس متأسفانه ازین رفته در صورتیکه بر عکس و خوشبختانه کتاب جغرافیای بطلمیوس بزرگترین دانشمند جغرافیائی قدیم باقیمانده و در دست است.

بطلمیوس در جغرافیای خود اطلاعات وسیع درستی از دنیای معلوم باستان از جمله ایران بدست میدهد و مقداری از اطلاعات جغرافیائی ماریانوس را هم آورده است و بحکم شواهدی در کتاب بطلمیوس نقشه‌هایی هم وجود داشته که از میان رفته است ولی مطالب و مندرجات آن کتاب طور است که میتوان بکمک و یاری آنها دوباره آن نقشه‌ها را رسم کرد و این کار را کرده‌اند.

مطالب جغرافیائی بطلمیوس با همه اطلاعات گران بها و فوائد بیشماری که دارد دارای یک نقیصه بزرگ است و در آنها مؤلف در حساب طول یک درجه نصف النهار بخطا رفته و در نتیجه دچار اشتباهاتی گردیده است.

این خطاها را چندین قرن بعد منجمان بغداد و مسلمین (۸۲۷-۵۲۳۳) با اندازه گیری تقریباً دقیق و صحیحی اصلاح کرده‌اند و امروزه کاملاً تصحیح شده است.

نقشه بطلمیوس که از دنیای زمان وی (سده دوم میلادی) بوده از اسپانیا تا چین و از نواحی منجمد شمالی تا استوا را نشان میداده است و این کار قدیمترین نقشه مهمیست که تا کنون بوجود آن پی برده ایم.

(۱) Polybe (۲) تاریخ علم پیردوسو ترجمه آقای حسن

صفاری ص ۹۶-۹۷ (۳) Hypparchus (۴) Marianus

(۵) Ptolemée

در قرن شانزدهم میلادی از روی کتاب جغرافیای بطلمیوس یکی از علمای فلاندر بنام «مرکاتور» (۱) نقشه مرسوم بطلمیوس را دو باره رسم کرد و با اضافاتی بطبع رسانید که مدتها در مورد نقشه کشی مدار کارها بود.

در نقشه بطلمیوس نکته قابل توجه اینست که در آن ممالکی که بدست مسلمانان است از جمله ایران مهمترین و حساسترین محل نقشه را دارد و جلب نظر میکند و همین نقشه است که در ۱۹۴۲ م بتوسط انگلیسها از نو با دقت بیشتری ترسیم گردیده است. (۲)

در دوره درخشان تمدن اسلامی هم چندتن از مسلمانان در جغرافیا و مسالك ممالك کار کرده و کتابهایی نگاشته اند در کتب ایشان نقشه‌هایی هم دیده میشود مانند «شریف ادریسی» و «اصطخری» و غیر ایشان که سفرنامه و نقشه‌های آنها باقیست و عمده آنها مربوط بایران و سایر کشورهای اسلامیست.

در قرون جدیده تا اوائل قرن هیجدهم با همه این احوال و با وجود ترقیات روزافزون مهم و محسوسی که در علم جغرافیا بعمل آمده بود باز اساس نقشه‌ها مبتنی بر همان اساس ناقص بطلمیوس بود و اشتباهاتی فراوان در آنها مشاهده میشد تا در ۱۷۰۰ م یکی از فرانسویان بنام «دلیل» (۳) نقشه‌های جهان‌نما و نقشه‌هایی از قطعات عالم انتشار داد که آسیا در آنها صحیحتر و با بعدهای حقیقی نموده شده بود و تدریجاً کار صورت‌بندی بخود گرفت و بطرف بهبود و تکامل رفت تا بصورت فعلی در آمد. در این کار بیشتر اروپائیان مداخله داشته و کوشیده‌اند، منتها فرانسویان سهم بیشتری داشته‌اند چنانکه نقشه مفصل کشورما را چندین پیش در ۲۵ قطع، رسم و چاپ کرده‌اند و از قراریکه شنیده‌ام اخیراً نقشه مفصلتر دیگری هم از کشورما در دست طبع دارند.

بطور کلی دانشمندی که در رسم صحیح نقشه کشور ما کار کرده‌اند بیشتر فرانسوی و انگلیسی و روسی و آلمانی میباشند و اخیراً در خود کشور هم اقداماتی مهم و اساسی و قابل تقدیر در این باره انجام شده است.



پس از جنگهای ایران و روس و شکست ایران و بطور کلی از اواسط شهر یاری فتحعلی شاه قاجار (۱۲۱۲-۱۲۵۰ ه.ق.) نفوذ روسها در دربار

(۱) Mercator (۲) روزگار نو ج ۴ شماره ۴ (۳) Delisle

ایران فزونی یافت و انگلیسها هم بر نابت و بنوبه خود بیکار نشستند و در نتیجه شمال ایران منطقه نفوذ روسها و جنوب و مشرق آن حوزه اقتدار سیاسی انگلیسها گردید و سفراء و مأموران و سیاحان آن دو کشور در نواحی مجاور مرزهای خود بتحقیقات جغرافیائی پرداخته و اطلاعات خود را اصلاح و تکمیل نمودند و حتی مأمورانی از این دو دولت چند بار با حضور نمایندگان ایران و عثمانی بتعیین خطوط مرزی پرداختند که شرح این اقدامات و مأموریتهای خود را نوشته اند و ضمناً از اوضاع جغرافیائی و آماری آن حدود و همه کشور ایران بحث کرده اند.

باری اطلاعات این سفراء و مأموران و سیاحان و هیئتهائی که مأموریت یافته اند با اطلاعات و مطالبی که از سابق بدست آمده بود و نوشته های پیشینیان و اطلاعات خود ایرانیان اساس تهیه نقشه جغرافیائی ایران گردید و روسها بیشتر از نقطه شمالی کشور ما نقشه برداشته اند و انگلیسها از بخش جنوبی و شرقی.

مسافران و نویسندگان روسی که در سده نوزدهم و بیستم بعنوان سیاحت بایران آمده اند و یا درباره آن چیز نوشته اند نسبتاً بسیارند و از معارف آنها یکی فیلیپ بفرموف (۱۸۱۱ م - ۱۳۲۶ ق) است که بعنوان جهانگردی در قرقیزستان و ترکستان و ایران و تبت و هندوستان بمسافرت پرداخته و از راه انگلستان بروسیه بازگشته است. دیگر «دوری. ب.» که هم در سال ۱۸۱۱ م بقصد مسافرت علمی سرزمین قفقاز و نواحی کناره جنوبی دریای مازندران را بقدم سیاحت پیموده است و سفرنامه ای دارد و «ماسالسکی» (۱۸۴۴ م - ۱۲۶۰ ق) که نویسنده نامه های پیک نورد روس از ایران است، و «چیریکوف» که کمیسر رابط روسیه در تحدید حدود ترکیه و ایران در سالهای ۱۲۶۶ تا ۱۲۶۹ قمری بوده است و روزنامه سفری او در دست است و نقشه نواحی غربی ایران را رسم کرده است.

از سیاحان بسیار معروف روسی که مشهورترین آنهاست «خانیکوف» است که در (۱۸۵۸ م - ۱۲۷۵ ق) بنقاط مختلف کشور ما مسافرت کرده و سفرنامه و نقشه هائی از ایران تهیه کرده است.

دیگر از سیاحان روسی «آگارد دیکوف» (۱۷۷۸ م - ۱۲۹۵ ق) است که نگارنده سفرنامه ایست از ایران بنام «سفری به کشور خورشید» و همچنین کتابی در ذکرها و جغرافیای شهرستانهای ساحلی دریای مازندران نوشته است.

« نیکولسکی » (۱۸۸۶م - ۱۳۰۳ق) هم از روسها دو سفر نامه مربوط بایران دارد که یکی شرح مسافرت او بشمال و شمال شرقی ایران است و دیگری بعنوان مسافرت تابستانی يك نفر طبیعت شناس در ترکستان و اقیانوس منجمد شمالی و ایران شمالی و ساخالین .

از مشاهیر مأموران روسیه یکی « علی خانوف اوارسکی » افسر روسی است که اصلاً داغستانی و مسلمان بوده و هموست که در ۱۸۸۴م - ۱۳۰۱ق . ترکمانان را شکست سختی داد و روسیه را آقای ترکستان مرکزی کرد . علی خانوف شرحی راجع بایران نگاشته که بطبع هم رسیده است . و نیز از روسها راتئوس (۱۸۹۸م - ۱۳۱۶ق) که در جغرافیا و آمار ایران کتاب نوشته است و « تامیلوف » و « بائومگارتن » قابل ذکرند که هر یک بایران مسافرت کرده سفر نامه دارند همچنین کیتتینک که در ۱۹۰۰م - ۱۳۱۸ق . مسافرتی بایران و بلوچستان کرده و سفر نامه ای دارد .

یکی از مهمترین سیاحان روس در ایران « ذارودنی » است که از ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۴ م (برابر با ۱۳۱۴ تا ۱۳۱۹ق) چندین سفر بایران کرده است و اطلاعاتی جغرافیایی و مربوط بتاریخ طبیعی گرد آورده و درباره ایران دارای چندین کتابست از اینقرار :

اول و دوم - دو کتاب مربوط بمسافرت در شمال شرقی ایران .
سوم - سفر نامه سفر سوم او در ایران شرقی و خراسان و سیستان که در ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۱ م . انجام یافته است .
چهارم - گزارش مختصری درباره مسافرت بایران که هم در ۱۹۰۰ تا ۱۹۰۱ م . صورت گرفته است .

دیگر از سیاحان مهم و نامی روس « بلیایف » نام دارد که در اوائل قرن بیستم چندین سفر بایران نموده است و سه سفر نامه دارد از این قرار :

الف - گزارش مسافرت در ایران (۱۹۰۲م - ۱۳۲۰ق)

ب - گزارش مسافرت از کرمان به خبیص (شهاد کنونی) در پائیز سال ۱۹۰۵م - ۱۳۲۳ق .

ج - گزارش مسافرت از کرمان به بندر عباس از طریق کائوک و بم و جیرفت و تنگ نیور که در سال ۱۹۰۶م - ۱۳۲۴ق .

دیگر از روسها « مانسن » است که در سال ۱۹۰۴م - ۱۳۲۲ق بایران مسافرت کرده و وصف راههای کرمان تا بندر عباس را نوشته است . و

«بشدهرف» ۱۹۰۳ م - ۱۳۲۲ ق . که نواحی استرآباد و بسطام را بقدم سیاست
 طی کرده است و «ماکسیمویچ-واسیلوفسکی» که سفرنامه‌ای از مسافرت خود
 در شهرستانهای غربی ایران (آذربایجان و کردستان) بانضمام راههای ایران
 در فصل زمستان در سالهای ۱۹۰۰ م - ۱۳۱۸ ق. تا ۱۹۰۱ م - ۱۳۱۹ ق. دارد
 یکی دیگر از مسافران روسی «فیلتوف» است که در اوائل مشروطیت
 در ایران بوده و کتابی بنام نامه‌هایی از ایران نگاشته است.

همچنین «مامونتوف» در ۱۹۰۹ م - ۱۳۲۷ ق در ایران بوده و کتابی نوشته
 است و «رزه ووسکی» (۱۹۱۱ م - ۱۳۲۹ ق) که بایران مسافرت کرده و کتاب
 بنام «بسطهران» در شرح سفر خود دارد و «تروبتسکو» (۱۹۱۱ م - ۱۳۲۹ ق)
 که کتابی بنام «از روی رود کارون از خاک بختیاری» بتحریر در آورده است
 از ماریف روسها که نام او را باید برد یکی «مینورسکی» است که
 ۱۹۱۱ م (۱۳۲۹ ق) قبل از جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) در کبسیو
 مرزی بین ایران و عثمانی عضویت داشته و اطلاعات بسیاری از تاریخ و جغرافیا
 و زبان ایران گرد آورده است و کتب و مسائل گوناگون درباره ایران نوشته
 است .

دیگر بارتلد که تاریخ جغرافیائی وی درباره ایران بفارسی ترجمه
 چاپ شده است . غیر از اینها «استیتیتسکی» که دو سفرنامه مربوط بایران
 «هوتوم شیندلر» آلمانی با درس ارشد تلگرافهای ایران را در اواخر قرن
 نوزدهم که ذکرش بیاید بررسی و ترجمه کرده است و در باره نقشه ایران
 یادداشتهای توضیحاتی نوشته و در ۱۸۷۹ م. منتشر ساخته است. و «باگدانف»
 که کتابی درباره جغرافیای مذهب و رسوم و بازرگانی و صنعت و ادارات ایران
 نگاشته است و «یوگوووا» صاحب کتاب «ایران و ایرانیان» .

دیگر از روسها «ایلمینگون» که شرحی راجع بایران با نقشه ایران
 در سال ۱۹۰۲ نگاشته است و «کامینوف» که اطلاعاتی تاریخی و جغرافیای
 و آماری مربوط بایران و نقشه ایران در سن پترزبورگ (لنین گراد کنونی)
 بچاپ رسانیده است (۱۸۲۹ م.) و «وولفسون» صاحب کتاب «ایرانیان
 گذشته و حال» و «میلر» وعده‌ای دیگر غیر از اینها.

از سیاحان بسیار بزرگ که باید جزو روسها بشمار آورد جهاننگ
 نامی دکتر «سوین هدین» **Seven Hedin** سوئد است که از طرف روس
 مکرر بآسیای مرکزی مسافرت کرده است و دوبار بایران آمده و نخست
 کیست که بلندی کوه دماوند را اندازه گرفته است (۱۸۹۲ م.) سوئد

هدین در ۱۸۸۶ م. دربار اول مسافرت خود از راه رشت بتهران آمد و از این شهر باصفهان و شیراز و بوشهر و از آنجا ببغداد رفت و از بغداد بتهران برگشت و از راه مشهد و بادکوبه و تفلیس و اسلامبول بسوئد برگشت . و دربار دوم در ۱۸۹۲ م (۱۳۰۷ ق .) مأمور ایران شد و پس از مدتی اقامت در تهران از راه مشهد و سرخس و مرو و بخارا و سمرقند در آسیای مرکزی مسافرت نموده و از راه حاجی ترخان و مسکو و پطرگراد (لنین گراد فعلی) بارو پا مراجعت کرده است و اطلاعات وسیعی از ایران جمع آورده است (۱) از سیاحان معروف انگلیسها یکی «هنری راولین سون» (۲) است که دو سفر بایران نموده (۱۲۵۳ ق - ۱۲۵۹ ق.) و هموست که کتیبه بیستون را استنساخ و قرائت کرده است .

دیگر «کرزن» (۳) از مسافران نامی انگلیسها که در اواخر سلطنت ناصرالدین شاه در حدود سال ۱۳۱۰ قمری کشور ایرانرا بقدم سیاحت پیموده و دو کتاب مهم درباره کشور عزیز مانگاشته است که یکی از آنها «جهانگردی در ایران» نام دارد که بفارسی هم ترجمه و چاپ شده است .

سواى این دو از سیاحان و مأموران سیاسى و نظامى انگلیسى «سرپرسی سایکس» است که مدت بیست سال از زمان مظفرالدین شاه (۱۳۱۳ - ۱۳۲۴ ق) ببعثت در ایران مأموریتهاى سیاسى و نظامى گوناگون داشت چنانکه در سال (۱۸۹۶ م - ۱۳۱۳ ق) عضو هیئتی بوده است که مأمور تعیین مرز بین بلوچستان ایران و انگلیس شده است و مدتى ژنرال قنصل انگلیس در ایران بوده و در ضمن جنگ جهانی اول (۱۹۱۴ - ۱۹۱۸ م) در پلیس جنوب سمت فرماندهی داشته است. این شخص مطلع نبلا چند سفر از راه روسیه یا از هندوستان بایران آمده و هم در این اوان و هم بعدها مخصوصا در شهرستانهای شرقی و جنوب شرقی کشور ما سیاحت و تحقیقات تاریخی و جغرافیائی اشتغال ورزیده است و قسمتی از این اطلاعات گرانبهای خویش را در کتابی بنام «هشت سال در ایران» که بفارسی هم ترجمه و چاپ شده گرد آورده است و در تاریخ و جغرافیای ایران کتابهای چندی دارد که دو کتاب تاریخی او را یکی بنام «تاریخ مفصل ایران» در دو جلد و دیگری «تاریخ مختصر ایران» بفارسی در آورده اند و هر دو بطبع رسیده است .

(۱) مجله پیام نوین - تاریخ سایکس - اکتشافات جغرافیائی مرحوم اقبال آشتیانی - یادداشتهاى مرحوم قزوینی و چند کتاب دیگر
(۲) Sir Henry Rawlinson (۳) Curzon

علاوه بر این سه تن عده‌ای از مسافران و مهندسان انگلیسی مأمور تهیه نقشه هندوستان و مرزهای مجاور چین و ایران شده‌اند. باین سرزمینها بمسافرت پرداخته‌اند که اسامی آنها بملاحظه پاره‌ای از نظرهای سیاسی هنوز معلوم نیست و یکی از نامی‌ترین آنها که در ایران هم سیاحت کرده است بعلامت اختصاری A.K. خوانده میشود. و غیر از این شخص چند تن دیگر از این نوع مأموران بایران آمده‌اند و نقشه برداری اجمالی از آن کرده‌اند و عملیات ایشان مأخذ عمده نقشجاتیست که از ایران در دست است.

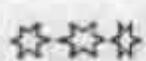
از جمله نقشه‌هایی که انگلیسها بطبع رسانیده‌اند نقشه‌ایست در شش پارچه و نسبتاً مفصل که بمقیاس $\frac{1}{1,000,000}$ رسم شده و در هندوستان بتاریخ ۱۸۹۸ میلادی چاپ و منتشر و روی پارچه الصاق شده است.

پس از جنگ جهانی اول نقشجاتی که روسها از بخش شمالی ایران برداشته بودند بدست انگلیسها افتاده و بدین جهت کاملترین نقشه ایران را در آن اوان انگلیسها در دست داشتند.

از سیاحان معروف انگلیسی که در دوره اعلیحضرت فقید رضا شاه پهلوی در سال ۱۳۰۹ هجری شمسی (۱۹۳۱ میلادی) بایران مسافرت کرده‌اند یکی «سردنیس راس» استاد السنه شرقی در دانشگاه کمبریج را باید نام برد که کتابی بنام «ایران و ایرانیان» نگاشته و بفارسی هم ترجمه و چاپ شده است.

غیر از روسها و انگلیسها از اطراف بشیهاد کتر «پولاک» است که در ۱۲۶۸ ق. از عهد محمد شاه قاجار (۱۲۵۰-۱۲۶۴ ق) بیعد در خدمت ایران و طبیب مخصوص ناصرالدین شاه و معلم طب دارالفنون تهران بوده است و سفرنامه‌اش بفارسی ترجمه شده است. دیگر «هوتوم شیندلر» آلمانی تبعه انگلیس که در ۱۲۹۴ ق. بتهران آمده و مدتی با درس عالی تلگرافهای ایران بوده و دو سفرنامه دارد که یکی راجع بمسافرت خود بجنوب ایران نوشته که در ۱۸۷۹ م انجام گرفته و دیگری مربوط است بمسافرت وی بشمال غربی ایران (۱۸۸۰-۱۸۸۲ م). این شخص که در ایران مشاغل عمده‌ای داشته است در زمین شناسی و جغرافیا و السنه و تاریخ و نژادهای ایران کار کرده است و کتب و مقالات بسیار سودمندی بزبان آلمانی و انگلیسی نگاشته است و چنانکه اشاره شد برخی از آنها بروسی هم ترجمه شده است.

غیر از اینها در دوره پهلوی چند تن آلمانی بقصد کسب و جمع اطلاعات جغرافیائی در نواحی مرکزی و جنوب شرقی ایران مسافرت کرده‌اند.



نقشه کشی بطرز صحیح و علمی پس از تأسیس مدرسه دارالفنون در ایران در زمان ناصرالدین شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ ق.) آغاز شد و کم کم عده‌ای برای نقشه کشی و نقشه برداری تربیت یافتند. از معلمان ایرانی این فن دارالفنون یکی مرحوم میرزا عبدالغفار نجم‌الملک یا نجم‌الدوله (متوفی ۱۳۲۵ ق.) (برابر ۱۲۸۶ ه. ش.) فرزند ملاعلیمحمد دانشمند ریاضی اصفهانیست که با پدر خود که از علمای فاضل و نامی عصر خویش بوده از اصفهان بتهران آمده است. پدر مرحوم نجم‌الدوله را میرزا علیقلی خان اعتضاد السلطنه فرزند فتحعلی شاه و وزیر دانشمند علوم و رئیس دارالفنون برای استفاده از معلومات ریاضی وی در عهد ناصرالدین شاه از اصفهان بتهران خواند تا در دارالفنون دستیار خوبی برای وزیر مزبور باشد و مرحوم نجم‌الدوله پس از اتمام تحصیلات در دارالفنون در حدود سال ۱۲۷۸ قمری بمعلمی در همان مدرسه گمارده شد و ریاضیات و علوم طبیعی و جغرافیا و نقشه کشی و قلمه‌سازی و پل‌سازی تدریس میکرد.

این دانشمند یکی از فضلا و خدمتگزاران صمیمی فرهنگ بوده که بیشتر عمر خود را بتدریس و تألیف گذرانیده و مشرب بی‌عرفانی داشته و کتب وی که عده‌ای از آنها بطبع رسیده است مدتها در دارالفنون تدریس میشد و تنظیم تقویم رسمی هم بعهده او محول بوده است. دیگر از تحصیل کرده‌های دارالفنون و از شاگردان شاخص مرحوم نجم‌الدوله شادروان مهندس عبدالرزاق خان بغایری (متولد ۱۲۸۶ ق. و متوفی ۱۳۷۷ ق.) اصفهانیست که پدرش محسن نام داشته و خود او از ۱۳۰۴ ق. بتحصیل در دارالفنون شروع کرده است و از مردان شریف و میهن پرست و خدمتگزار فرهنگ میباشد و بیشتر عمرش بمعلمی و نقشه برداری و تحدید حدود و مدرس داری و تألیف گذشته است و از تألیفاتش کتبی در تاریخ و جغرافیا و علم انسابست که پاره‌ای از آنها بچاپ رسیده است.

مرحوم بغایری مدتها تدریس میکرد و مدرسه خرد از تأسیسات او است و چندین بار برای نقشه برداری از شمال و غرب و بلوچستان و مرز افغانستان مأمور بوده چنانکه در تحدید حدود یکبار در سال ۱۳۳۰ ق. بین ایران و عثمانی قرا گرفته بود و صورت گیرد از کسانی که برای مطالعه و اظهار نظر دعوت شده‌اند یکی هم او بود.

مرحوم مزبور برای نخستین بار نقشه‌ای صحیح از تهران و اطراف آن

برداشته که در سال ۱۳۲۸ ق خود بطبع رسانیده است و علاوه بر اینها برای نقشه برداری عده‌ای شاگرد پرورش داده است و تا اواخر عمر بخدمت میهن اشتغال داشت .

شادروان بغایری برای اولین بار در ایران کره جغرافیائی ساخته (۱۲۱۲ ق.) و برای این کار از ناصرالدین شاه درجه سرتیپی و مقرری گرفته و بعدها کره دیگری هم برای مظفرالدین شاه ساخته و جایزه دریافت داشته است .

از مهمترین کارهای این میهن پرست تهیه و چاپ نخستین نقشه صحیح و نسبتاً مفصل ایران است که هنوز مورد استفاده است .

این نقشه ممتع پس از صرف هشت سال وقت و دقت در کتب قدیم و جدید و نقشه‌های گوناگون و مآخذ متعدد و مراجعه با افراد مطلع و اهالی محل ترتیب و تنظیم و رسم شده است .

ابعاد نقشه $1/45 \times 1/43$ متر و بمقیاس ۱:۱۰۰۰ می باشد و در زمان شهر یاری مظفرالدین شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ ه. ق.) بچاپ رسیده است .

در این نقشه طول جغرافیائی نسبت بنصف النهار تهران رسم شده و خانه‌ها را با حروف الفبای فارسی نام گذاری کرده است . در نقاط مختلف این نقشه ارقامی بچشم میخورد که از ارتفاع نقطه نسبت بسطح اقیانوس بذرع حکایت میکنند و در گوشه‌ای از آن نقشه مختصری از تهران دیده میشود .

همچنین در گوشه‌ای از آن مرحوم «جعفر قلیخان» (۱) وزیر علوم وقت شرحی در توصیف و تقدیر از رسم کننده آن نگاشته است و نیز در دنباله این تقدیر وزیر علوم تقریظی از مرحوم نجم الدوله نگاشته و چاپ شده که از نقشه و ترسیم کننده آن بعمل آمده است از اینقرار:

« بانی این نقشه مملکت ایران، معتمد السلطان میرزا عبدالرزاق خان سرتیپ مهندس از جمله شاگردان قدیم ممتاز مدرسه مبارکه دارالفنون است. سالها نزد حقیر عبدالغفار مشغول تحصیل فنون ریاضی، حساب، هندسه، جبر و مقابله، نقشه برداری، نقشه کشی، جغرافیا، علم هیأت جدید بوده . يك سال تحصیل او معادل با چند سال دیگران بوده و از روی میل و شوق تحصیل مینموده

۱- جعفر قلیخان نیر الملک فرزند رضا قلیخان هدایت معروف بلبله باشی مؤلف مجمع الفصحاست و جعفر قلیخان مدتی ریاست دارالفنون و وزارت علوم را داشته است.

نه از روی عنف واکراه . وضع رفتار و سلوک او هم پسندیده بود و هیچوقت مورد بحث و ایرادی نمیشد و امروز مهندسی است عالم و عامل و از آثار همت بلند او یکی ساختن کرات مصنوعه مقوائی ارضی و سماویست که تا امروز در ایران احدی اقدام باین کار ننموده ، با آنکه فرنگستان نرفته و از دستگاه آن اطلاع نداشت خود اسبابی برای این کار ترتیب داد. کرات صحیح خوب ساخت که امروز متداول است و دوم از آثار همت بلند او اقدام در ترتیب نقشه صحیح مملکت ایرانست که چندین سال با اطلاع حقیر با کمال دقت و مجاهده اهتمام در تصحیح همه فقرات آن نمود. از حیث نسبت مواضع بلاد و تصحیح اسامی بلدان الحق نقشه ای از آب در آمده صحیح تر و کاملتر از جمیع نقشه هائی که تا امروز در ایران منتشر نموده اند .

میرزا عبدالرزاق خان شخصی هوشمند، ذریک با تصرف قابلیت و تا اندازه ای از مخترعین محسوب میشود و بادست تهری و عدم مساعدت بابنجا رسیده، هر گاه اسباب جمعی داشت البته پیش از این هنرهای خود را جلوه میداد . *نجم الدوله* »

خود مرحوم بغایری در مورد این نقشه در مجله آموزش و پرورش (۱) در ضمن شرح حال خود چنین مینگارد :

« ناصر الدین شاه چون از سفر سوم فرنگستان برگشت (۱۹ محرم ۱۳۰۷ ۲۴ شهریور ۱۲۶۸-۱۵ سپتامبر ۱۸۸۹ م.) يك نفر معلم معدن شناس با خود آورد . این معلم يك نقشه ایران را که بزبان روسی بود به جعفر قلیخان نیرالملک اهدا کرد . »

« جعفر قلیخان بخیال افتاد آنرا بفارسی ترجمه و چاپ کند . برای این کار میرزا سید عبدالله خان را که کمک معلم زبان روسی دارالفنون بود بکمک گرفت و دستور داد اسامی روسی را بفارسی بگوید تا سید فیض الله که مردی خوش نویس بود بنویسد . »

« من میدانستم ، بواسطه نبودن معادل بعضی حروف ، در زبان روسی ، نتیجه این کار کافی نیست . بعلاوه بنقشه کشی شوق و رغبت فراوان داشتم ، بر آن شدم ، با تحقیقات کافی و استنباط اسامی صحیح شهرها باقراء ، قصبات ، کوهها و رودها ، صحاری و غیره ، نقشه جامعی فراهم آورم . اتفاقا خلیل فهیم الملک ،

(۱) مجله آموزش و پرورش - شماره دهم سال ۲۶ در اسفندماه ۱۳۳۰

مقالن این زمان که از خراسان بطهران بازگشته بود، يك قطعه از نقشه روسی
 موسوف را بر رسم از مغان بمن داد و در ۱۳۰۸ باین کار آغاز کردم. «
 » برای اینکه اسامی شهرها و قصبات و رودها و کوهها و غیره درست باشد
 بکتابهای مختلف تاریخی و جغرافیائی، سیاحت نامه‌ها، بمردم هر محل و
 شکارچیان و چهارپاداران بزمی نقاط مختلف مراجعه کردم و سرانجام پس از
 هشت سال تحقیق کافی و مراجعه به شست قطعه نقشه‌های کوچک و بزرگ
 انگلیسی، فرانسه، روسی، آلمانی، نقشه را رسم و هفتصد نسخه چاپ کردم.
 این نقشه بیست قطعه و روی بارچه الصاق شده بود.»

پس از شادروان بغاری سوای مؤسساتی رسمی مانند دایره جغرافیائی
 ستاد ارتش، افرادی چون مبدی از رضاخان مهندس الملک نجمی از تحصیل کرده‌های
 دارالفنون و مرحوم مهندس علامعلی بهار از شاگردان مرحوم بغایری و سرهنگ
 محمدخان غفاری و آقای نیاس سبحان و دوست و همکار ارجمند آقای رضا
 خزائل و امثال اینها بترسیم و نشر نقشه ایران پرداخته‌اند که بطور مستقیم
 یا غیر مستقیم و کمابیش از نقشه مرسوم آن شادروان استفاده کرده‌اند.

تهران شهریور ۱۳۴۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی